



Bodleian Libraries

UNIVERSITY OF OXFORD

This book is part of the collection held by the Bodleian Libraries
and scanned by Google, Inc. for the Google Books Library Project.

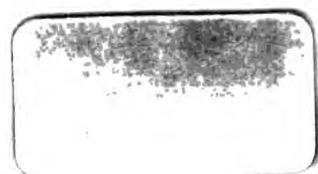
For more information see:

<http://www.bodleian.ox.ac.uk/dbooks>



This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial-
ShareAlike 2.0 UK: England & Wales (CC BY-NC-SA 2.0) licence.







دست بر سینہ به بود و همه حال
 پشت بهوار داد و کو ز من
 شکم از زبان دور و دست از زلف
 انگشت سومی قبله کنی
 به بین و یسار خویش تمام
 مستحب را از سنت افکار
 مستحب دور نیست از سنت
 یاد گیرش که نسخه کباب است

سجدہ سہو را بلیان کردن
گر کسی نشد رض را کند تاخیر
سجدہ سہو را چو سازند
اسی مصلے بہر وقت دست سلام
اینچنین است مذہب ^{بیشد} ^{موافق} نعمان
از یکی سہو و او و سجدہ پس است
ہر امامی کہ مقتدی باشد
مقتدی را کہ سہو افتاد دست
سہو اورا امام بر گیسو

و آنچه مشکل بود عیان کردن
 مکن ترک واجب ^{ای} تقصیر
 جبر نقصان آن نماز کند
 گوئی و آنکه بیار سجدۀ تمام
 او بتقوی ^{ای} چه بود در دسلان
 شیخ آموز گز ترا هوس است
 سهوا ^{ای} و سهو مقتدی باشد
 سجدۀ سهوا ^{ای} و نه معاودت
 طاعت او خدا ^{ای} که به یزید

فصل چهارم در بیان سنتهای نماز

سنت اندر نماز آمد بنیت
 آنچه قولیت هست استقلال
 زان سپس قیامت و آمین هست
 سمع الله امام پر دوازده
 از تسبیح در رکوع و سجود
 فاتحه در دوئی اخیر از فرض
 پس برون آمدن بلفظ سلام

ده از ان قولى است و دوهيكيت
بعد از ان در اعوذ گشت فلاح
سمع الله گفتن از دين است
سقت دى ربنا لك آغاز و
نيز تكبير در مهبوط و صعود
گير سنت ولى گير از فرض
نز و اسنت است در اسلام

منتهای فعلی نماز

سنت فعل در نمازده است
هست رفع الیدین تا افونین
بعده ازان دست راست را بر چپ

یادگیرش اگر ترشمره است
وانکه بر جای سجده وار و غنیمت
بنهی زیر ناف به سوادب

[illegible]

فصل در بیان سجدات نماز
 و در بیان سجدات نماز
 و در بیان سجدات نماز
 و در بیان سجدات نماز

ز آنکه صافی ترست مشرب او
 شش درون نماز شش بیرون
 فرض و نفلت همه روا گرد
 عرض دارم که موضع غنست
 پوشش عورت و مکان طاهر
 روی هم سوی قبله آوردن
 فرض گیر و نماز کن به نیاز
 قعدۀ آخرین و سجده خضوع
 از نماز ای بدر عقل و قیاس

بشنو از من بیان نذیب او
 ضبط کن این دو پیش فرض کن
 مانع از تو با نوا کرد و دو
 آنچه بیرون کنون ترا غنست
 نیت نیت و طهارت و تکبیر
 غم اسلام بایدت خوردن
 شش و یک در اندرون نماز
 آن قیام و قرأت است در کوع
 پس بیرون آمدن فرضیه شکار

فصل در بیان سجدات نماز
 و در بیان سجدات نماز
 و در بیان سجدات نماز
 و در بیان سجدات نماز

فصل دوم در واجبات نماز

ز آنکه از مصطفیٰ چنین فرست
 در ردوی اول از فرضیه بخوان
 سوره با فاتحه مکن غنست
 سوره با فاتحه قرین باشد
 و آنچه پست است پست باید خواند
 باز در آخرین سجرات است
 از آنکه در جملۀ ابرار کان
 ز آنکه تکبیر عید می باید

واجبات نماز با هفت است
 فاتحه ختم سوره قرآن
 یک اندر تطوع و سنت
 کاخ نیش چو اولین باشد
 در بلند می بلند باید خواند
 قعدۀ اول از وجوبات است
 نیز در وتر شد قنوت عیان
 یک در عید واجب افزاید

فصل در بیان سجدات نماز
 و در بیان سجدات نماز
 و در بیان سجدات نماز
 و در بیان سجدات نماز

فصل سوم در بیان سجده سهو

واجب آید باتفاق اسم
 و اندرین راه نیستی دارد

سجده سهو تلاوت هم
 داند آن کس که خسته دارد

فصل در بیان سجدات نماز
 و در بیان سجدات نماز
 و در بیان سجدات نماز
 و در بیان سجدات نماز

فصل در بیان سجدات نماز
 و در بیان سجدات نماز
 و در بیان سجدات نماز
 و در بیان سجدات نماز

[illegible][illegible]

در وضو شستن مستحب است
چهار مرتبه مسح و انگشتی تر تری
گر تو مسح از سه عمل گیر

نیت و زبان پس بگو
بسم الله الرحمن الرحیم
مسح کردن ازین قبل گیر

فصل چهارم در مکررات وضو

آب اندر دهان و در سینه
آب بر روی سخت تر کردن
خوشی در آب هشت تن از عمد
در توبه بر است افشانی
هر که این شش کر اهیت اند

بکف چپ کر اهیت
عورت خویش را نظر کردن
سخن اندر مقام استنجا
در میان کر اهیت مانده
و اتم اندر روف اهیت ماند

باب دوم در بیان شکندهای وضو

آنچه از پیش و پس عیان گردد
گر آن باد کان ز پیش بود
ریح و خون گردان همی باشد
خواب که زده وضو شکند
قویقه در نماز و بی هوک
هر که باشد مباحث فاحش

آب دست تر از زبان گردد
که وضو هم بجای خویش بود
تی کنی پر دهان همی باشد
یکه بر خواب بچکس نکند
باز دیوانگ و مد خویش
شیخ بر سج و آید در باش

باب سوم در غسل و آن مشتمل بر سه فصل

فصل اول در بیان فرائض غسل

هر که بادش و سبزه بود
آب در بینی و دهان کردن

فرض در غسل اوسه چپ بود
بر همه عضو خود روان کردن

فصل دوم در بیان سنتهای غسل

Handwritten marginal notes in Persian script, including phrases like 'در وضو شستن مستحب است' and 'فصل چهارم در مکررات وضو'.

۴۲
 فصل اول در بیان وضو و این عمل
 فصل دوم در استنهای وضو
 فصل سوم در استحباب وضو
 فصل چهارم در بیان وضو و این عمل

من بقدر محال کوشیدیم نکتی عیب اگر تو نبوی الهی اسپ تازی اگر چه به تازد صد و هفتاد بیت و ده باب است موجز و دلپذیر افتاد دست این ترا یادگار از شرف است از سخن راست مولد و منش یا الهی بدو تو توفیق ده	فقه را بر دلفتم پوشیدیم که در وحشت به پوششانی لاش خرویشتن نیندازد لائق زور کار اصحاب است لاجرم بی نظیر افتاد دست نام او در جهان بگشاید و ز خدایان علوم کتبش راه نبایستو تحقیق
--	--

باب اول در بیان وضو و این عمل
فصل اول در وضو وضو

در وضو نیست جز فریضه چهار شستن پای نیز معتبر است لازمش بچون فرض باید دید	در وضو واجب و دلیل و نه بار شستن رو و دست و مسح سر ربع سر مسح فرض باید دید
--	--

فصل دوم در استنهای وضو

سنت آب و دست ده باشد شستن دست پیش مسواک مضغه مسح گوش و استنجا نیز انگشت تائب را تخلیل باز تخلیل تحت استنشق عضو گر کنه روا نبود	هر که دانست مرد و با شد نام حق گفتن از دل پاک است به کرات شستن اعضا سنت آب از مصطفی بی قیل گفتیم این جمله را علی الاطلاق راندن آب جزو واجب نبود
---	--

فصل سوم در استحباب وضو

این کتاب در بیان وضو و این عمل
 فصل اول در بیان وضو و این عمل
 فصل دوم در استنهای وضو
 فصل سوم در استحباب وضو
 فصل چهارم در بیان وضو و این عمل

این کتاب در بیان وضو و این عمل
 فصل اول در بیان وضو و این عمل
 فصل دوم در استنهای وضو
 فصل سوم در استحباب وضو
 فصل چهارم در بیان وضو و این عمل



بسم الله الرحمن الرحيم

توحيد باری تعالی

نام حق بر زبان سہے رہیم ملک و صانع و قدیم و حکیم ہر چہ بہت از بلند می دپستے طاقت اوست فرض عین شد داد مارا کتاب تا خواہیم ہر چہ او گفت آن کنسیم انچہ او گفت غیر آن کردن روز و شب طالب قبول ویم	کہ بجان و دلش ہمہ خوانیم خالق و رازق و رؤف و رحیم ہمہ روایت صورت بہتے بر ہمہ خلق چچو دین شدہ کرد مارا خطاب تا دانسیم طاقت او بجان کنسیم نیست سودی بجز زبان کردن پسہ دو است رسول ویم
--	--

شکر حق را کہ پیشوا داریم مہتر و بہتر و گزین ہمہ اوشہ ریت بیان کند مارا	نعت سید المرسلین صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم پیشواے چو مصطفیٰ داریم سہر و خاتمہ نگین ہمہ اوشہ ریت عیان کند مارا
--	--

کہ بجان و دلش ہمہ خوانیم
خالق و رازق و رؤف و رحیم
ہمہ روایت صورت بہتے
بر ہمہ خلق چچو دین شدہ
کرد مارا خطاب تا دانسیم
طاقت او بجان کنسیم
نیست سودی بجز زبان کردن
پسہ دو است رسول ویم

نام حق بر زبان سہے رہیم
ملک و صانع و قدیم و حکیم
ہر چہ بہت از بلند می دپستے
طاقت اوست فرض عین شد
داد مارا کتاب تا خواہیم
ہر چہ او گفت آن کنسیم
انچہ او گفت غیر آن کردن
روز و شب طالب قبول ویم

نعت سید المرسلین صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم
پیشواے چو مصطفیٰ داریم
سہر و خاتمہ نگین ہمہ
اوشہ ریت عیان کند مارا

Kam Hag



Nam-i-haqq.

49 D 2

~~49 D 2~~

Indian Institute, Oxford.

The Lucknow Sparks Library.

Presented

by

Munshi Aetoul Kishore.



